



۲۰۱۷/۰۶/۰۳



مصطفی عمرزی

بهای بنای کج



سوریه خونین، اگر با ضایعات جانی بیش از 400 هزار تن و تخریبات گسترده، جهانی شد، بهایی که برای برپایی حمام خون (حکومت اسد) پرداخته می شود، فقط در جانب ایران از 5 تا 20 میلیارد دالر، تخمین زده شده است. نقش روسیه، سهم حزب الله، اجیران شیعه از افغانستان و پاکستان، نشان می دهند بقای رژیم هایی که بسیار سیاسی می شوند، چه قدر گران، مخوف و زیان آور می شود. بازیگران چند سوی بحران سوریه، در پی منافع خویش، در حالی که حاصلات را در جا های دیگر برمی دارند (داد و ستد، رفع محدودیت ها و تجارت) اما مردمی که در سوریه در خون غرق می شوند، در سلسله مصایب، باید قربانی دهند تا در بنایی که کج گذاشته بودند (میراث استعمار اروپایی) به قیمت نگه داری این تعمیر لرزان، سال ها در غم و غصه، رنج ببرند.

افغانستان ما با رقم 800 میلیارد دالری، فقط سرمایه گذاری های امریکا، به بنای دیگری می ماند که هر چند شبیه سوریه نیست، اما در عمران آن، دخل عناصری به آفت رسید که نشان دهد حاکمیت زیر فشار شدید را بیشتر از درون، نابود می کنند.

موج اعتراض بر دولت در بهانه هایی که بر اثر تکرار سرنوشت خونین ما رخ می دهد، در استعاره از هم، راست برآمد که «خون با خون، شسته می شود!» اما در عقب این سلسله آندوه، حقایق بر ملا می شوند که چه گونه بقایا و تخمه گان خاینان به وطن، در شرکتی که دولت می نامند، در قرائت های سیاسی، در هر حادثه ای دنبال فرصت اند تا چهره آنان در مدعی، اما بی همه چیزی تبارز کند که هر چند با تلسکوپ به عمق تاریخ می رود تا از بهانه رفتار کج، حتی از کسی در حاشیه، ولی دستاویز بسازد که ابراز وجود او برای احراز مقام رهبری، اگر در حُسن نیت، از تاریخ سفایی بگذریم، به کسانی می رسد که در تمام انواع نمایشات فرهنگی، مدنی، به اصطلاح اسلامی و وطنی، با اصرار می خواهند در دایره دولت، بیشتر باشند.

اعتراض فعالان مدنی افغان که لطیف پدram را با صدا های «سیاسی نیست! سیاسی نیست!» خجالت دادند تا دهن کمود را باز نکنند، در نمایش سنگ پراگنی، فحاشی، چاقو کشی و سلاح به دستانی تحریف شد که زود با پرچم های ذلت و حقارت (زمان ربانی) نعره کشان و پارس کنان ظاهر شدند. این سیمای کریه المنظر، اما در شگفتی از برخورد کسانی به سد خورد که از حصارکشی های دولتی، چهره حاکمیت در داستان های دیو و پری، هزار قلعه ها و دژ هایی را نمایش می دهند که از تلفیق نو و تاریخی، در هر سوی این عذاب، اگر می کشند، سر بریدن های تاریخی در سیاست های آنلاين، ما را از جزئیاتی آگاه کردند که مردمان پیشین، چه گونه شقه، بی سر و مثله می شدند. حصار

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

های سمنتی، بی شباهت به دولت های باستانی و قرون وسطایی، حقایق اند که در نمونه افغانستان، جامعه جهانی با میلان به جوانب درگیر افغانستان، نتوانست موفق به اعمار بنایی شود که 16 سال پس از حضور گسترده، حالا ناگزیر باید از صفر شروع کنند.

نقد سیاست های خارجی در تبیین این بی عدالتی که اگر طالبان، طرف قهر جهانی شدند، تکیه به عواملی که در ظهور طالبان، جمله معروف ربانی را به یاد می آورند (تحریک خود جوش) به معنی دیگر، شرکت در ساخت بنایی بود که معلوم بود در این اتفاق، تهداب را کج گذارند. این واقعیت اگر در نابسامانی ها و ناهنجاری های هراس آور منتهی شده است، در متن آن، کسانی اند که در نمونه اعتراض و انتقاد، همواره در دو سوی مستقیم و غیر مستقیم، اگر پسر معاون مشرانو جرگه کشته می شود، کسانی زخمی شدند که در جمع دیگر، با سلاح هایی که در کسوت کارمند و مامور در حوزه ها می گیرند و از خوان شراکت در دولت، به همه چیز دسترسی دارند، ثابت می کند نگر داشتن نمونه بنای افغانستان با چنان ساختار کج، با نگویش و تقبیحی راست نمی شود که از فحواي آن به خوبی جانب داری و میلان به منافع و گروه های خاص، معلوم است. در واقع مجموعه ضد طالب با نقش گسترده ای که در حاکمیت یافت، با پشتواره ای از اندوخته های نقد ناشده ضد افغانی، خود به مشکلی می ماند که همسویی با خواسته های آنان، کشاندن افغانستان در بحرانی ست که اگر به چنین حالتی رسیدیم، نباید گروهک های شکسته خورده از طالبان، بینش خویش از درگیری های داخلی را وارد نظام می کردند.

بار ها آورده ام و باز می آورم، دکتور رمضان بشردوست در مناظره ای که کرزی نیز سهم داشت، به صراحت گفته بود به مناطقی رفتم که نیرو های خارجی، توان عبور از آن جا ها را نداشتند، اما روایت او از آن چه اهل شر می بافتند، چهره طالبانی نبود که وقتی مردی با خصوصیات مردمان کندهار، هلمند یا پشتونی را دیدند، وصف «طالب است!»، به شرمساری ما می افزاید که چه گونه در حد نزول برداشت ها، به معاضدتی می روند که در عقب آن، تعفن سال ها ستیز با افغانستان، به مشام می رسد.

اکثر آشوب کننده گان مسلح، فحاش و کوچگرد، کسانی اند که در سلسله درازی از انتساب با ماموران حکومتی، 16 سال تمام در حکومت بودند، اما اگر سیاسی، فرهنگی، دینی و اجتماعی شوند، در کمال تعجب به نفی، تمسخر، انتقاد و هتک حرمت دولتی می پردازند که با صلاحیت های مافوق کرزی، میلیارد ها دالر را حیف و میل کردند و اما ارزش آنان در سیستم، آلوده گی هایی شده است که یک دهه پس از مصارف گزاف، روابط جهانی و انکشاف مناسبات، دولت در حصار های سمنتی، در مجموعه ای از گروه ها و افراد متضاد از جلو و عقب، فشرده می شود که اگر کسانی اهل کار باشند در فشار مضاعف شریپسندان، در جمع دیو ها به شمار رفته، تر و خشکی می سوزد که اگر در محاسبه اعمال چند سال اخیر، خیری ببینیم، مجموعه لرزان چند بی طرف تحصیل کرده، دم غنیمتی ست که در بیابان، کفش کهنه، به معنی از هیچ کرده بهتر می شود. هشدار تهدید «نظام کج» با رفع ستون هایی که آن را برپا داشته اند، هیچ قطبی را تشویق نمی کند تا این قامت خمیده را دوباره راست کند.

در همناوبی با مردمان قربانی و فامیل های شهدا، اما در طهارت اندیشه و موضع، بار دیگر تقاضا می کنیم، بیرون رفت از بحران جاری، اگر هرگز به زودی میسر نیست، حداقل در فرصت های نو، نظام را از گندی بیرون کشند که در درب، اتاق، احاطه، ریاست و وزارت های آن، تیکه داران قومی، سمتی، منطقه یی، حزبی و زبانی نشسته اند و در حالی که ناهنجاری های مختلف اجتماعی را با رنگ طالب و مخالف مسلح، از حقیقت اجحاف، اغماض، بی عدالتی و دشمنی های علنی با اکثریت، منحرف می سازند، اهم و غم شان انحصار قدرت است تا چند کره و تخمه ی بی سواد، بی لیاقت و آلوده در ادارات دولتی به جا و نان برسند.

مردم از شدت نفرت، اما با ریشخند ها به سلسله مراتبی حمله کردند که پس از پایان شوم بازیگران جفا کار و خاین، فرزندان آنان در سنین زیر «سن»، میراث شرکت سهامی را اگر از بقایای تفنگسالار باشند، با رتبه ی جنرالی می گیرند و اگر فسادگران مدنی اند، ریاست و اگر اهل فرهنگ سقایی اند، مدال های نام آوران افغان بر این بی حیایی روزگار، ما را خجالت می دهند که نام غازیانی چون میربچه خان کوهدامنی، شاه امان الله و ... در عجایب روزگار، با عکس شان (تضاد) وصله می خورد.

نظام منتهی به پرتگاه را در فرصت های تظهير، راست کنند و اما ساده ترين راه جواب به اهل بغاوت، خوب است در شفاخانه های تعقيب و محاکمه، اگر روانه حبس شدند، با ارتزاق بازی های کمپيوتري، عادت دهند تا هر زمانی که خواسته باشند در محیط 3D یک دیگر را بکشند. همه ساله نسخه های جديد و متنوع این درمان، توليد می شود.

پيروان و رهروان فرهنگ خراسانی – فارسی



د پانو شميره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ